

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
۴/۳/۱۳۸۹

نفرت سیار

به آموزگاران سرافراز دیارم

گرد تباشیر

دلت را بسته کردی با دل شیر
زدی با دانشت بر فرق شمشیر
درین میدان سوای شیر مادر
ننوشیدی مگر گرد تباشیر

جر جر رگبار

هوس در کوچه و بازار جاریست
به جان ضجه های زار جاریست
به سوی صبح سرشار محبت
جنون جر جر رگبار جاریست

قعر غارت

ستون قعر غارت شودل من
علمبردار غیرت شودل من
پیاموز از سیاهی درس نفرت
معمای مهارت شودل من

جواب صبح

نکردی فکر دلها را نگارا
زدی سر، مستی ما را نگارا
چه خواهی داد با این دل سیاهی
جواب صبح فردا را نگارا

غارتِ احساس

در و دیوار دل را لوچ کردیم
تمام لحظه ها را پوچ کردیم
برای غارتِ احساس مردم
سر فصل جنایت کوچ کردیم

نفرتِ سیّار

به کوی زندگانی دار برپاست
نفیرِ نفرتِ سیّار برپاست
به جای نقشهٔ آبادی دل
سر هرتپه ای آوار برپاست

آتش نشانی

من و انبوه فریادنگاهم
بین بر دیدگان راه راهم
به جز آتش نشانی تا به محشر
نمی بینی درین وادی گناهم

آبِ ایمان

نمی دانم که از آتش چه دیدیم
مگر از آبِ ایمان ناامیدیم؟
بهشتِ دیده را ویرانه کردیم
جهنم را درین وادی نویدیم

لغو پرواز

دلا آتش به جان شعله ها شو
سفیر سرفراز سوز ما شو
چه سود از لغو پرواز محبت
دمی بال و پر پروانه ها شو

دیدار چمنزار

کجا کردی دل مستانه ات را؟
چرا کشتی چراغ خانه ات را؟
چه بد دیدی ز دیدار چمنزار؟
زدی آتش چه سان گلخانه ات را؟

بهار دید

چرا خار بهار دید باشیم؟
برای بوی گل تهدید باشیم
مباد ای مدعی دور عرفان
که ما فرهنگ بی تولید باشیم

<http://norollahwosuq.blogfa.com/>